

مبانی زندگی مسیحی  
درس ۵: ابزار فیض: دعا  
دکتر سینکلر فرگوسن

در این مرحله از مطالعاتمون درباره‌ی چیزی حرف می‌زنیم که بعضی اوقات از اون به عنوان «ابزار فیض» یاد می‌کنیم، و از قبل دیدیم که ما نباید به ابزار فیض به دید ابزاری که برای دریافت فیض استفاده می‌کنیم، نگاه کنیم، بلکه به عنوان امتیازاتی که خدا با فیض خودش به ما داده تا بتونیم او رو بهتر بشناسیم و مسلماً به او بهتر خدمت کنیم. ما در مطالعه‌ی جلسه‌ی قبل درباره‌ی کتاب مقدس تفکر کردیم و الان به موضوع دعا می‌رسیم.

به یاد میارم سال‌ها قبل، که فکر می‌کنم الان باید چهل سال ازش گذشته باشه، این افتخار رو داشتم که با ویراستار ارشد یک شرکت انتشارات مسیحی ملاقات کنم، و در حین صحبت‌هایی که داشتیم اون به من گفت، «ما دوست داریم که تو کتابی درباره‌ی دعا بنویسی.» من با خودم گفتم، «من خودم هم دوست دارم کتابی درباره‌ی دعا بنویسم، ولی فکر نمی‌کنم که آدم این کار باشم.» پس به اون گفتم، «میدونی؟ فکر می‌کنم باید افراد دیگه‌ای باشند که این کار رو بهتر از من انجام بدن.» اون گفت، «خُب، دلت می‌خواد کسی رو پیشنهاد کنی؟» من یک شخص نسبتاً شناخته شده رو پیشنهاد کردم. اون لبخند کمرنگی زد و گفت، «ما ازش خواستیم و اون هم رد کرد. پیشنهاد دیگه‌ای هست که بخوای انجام بدی؟» من به عنوان دومین پیشنهاد، شخص دیگه‌ای رو معرفی کردم که خیلی شناخته شده بود.

اون دوباره همون لبخند کمرنگ رو زد و گفت، «ما ازش درخواست کردیم و اون رد کرد. اون گفت که واقعاً فکر نمی‌کنه برای نوشتن کتابی درباره‌ی دعا آمادگی داشته باشه.» و این همینطور ادامه پیدا کرد، و من هرگز ندیدم که کتابی درباره‌ی دعا منتشر کنه. و این تجربه برای من به نوعی دلگرم‌کننده بود، چون بسیاری از افراد مسیحی به من میگن که دعا کردن برای اونها خیلی سخت هست، ولی بعضی وقت‌ها اونها به اشتباه اینطور فرض می‌کنند که چون یک نفر یک مسیحی قدیمی‌تر و یک مسیحی حکیم‌تر به نظر میرسه، بنابراین دعا کردن برای اون راحت هست.

حالا البته دوره‌هایی در زندگی هست که دعا کردن آسون‌تر از بعضی مواقع دیگه هست، ولی ما باید درک کنیم که وقتی دعا کردن برای ما سخت میشه، اول از همه اینکه ما به حال خودمون رها نشدیم، و تنها نیستیم؛ به این مفهوم که به عنوان مثال پولس در رومیان باب ۸ میگه، مواقعی هست که ما نه می‌دونیم چطور باید دعا کنیم نه اینکه برای چه چیزی دعا کنیم. حالا، این

شبان شما نیست که این رو میگه، و مسیحی مورد علاقه‌ی شما هم نیست، بلکه این پولس رسول هست. بعضی وقت‌ها ما ناله‌هایی در دلمون داریم که با کلمات نمی‌تونیم اونها رو بیان کنیم، و صرفاً نمی‌دونیم چطور باید دعا کنیم. پس ما نباید ناامید بشیم اگر احساس می‌کنیم «دعا کردن برای من سخت هست.» پولس اینطور حرفش رو ادامه میده، «باید بدونید که در اون زمان‌ها، خود روح‌القدس به یاری مقدسین میاد و با ناله‌هایی بیان‌ناشدنی، برای اونها شفاعت میکنه.»

و اون داره به ما این تصویر شگفت‌انگیز رو میده از اینکه معنیش چیه که خدا رو بشناسیم و با او به عنوان پدر آسمانی خودمون مصاحبت داشته باشیم، اینکه او در ضعف‌های ما بهمون نگاه میکنه و ما رو به خاطر اینکه احساس می‌کنیم قادر نیستیم خوب دعا کنیم، تحقیر نمیکنه، مثل کاری که بعضی از مسیحیان شدیداً روحانی بعضی وقت‌ها انجام میدن. بلکه به جاش، او روح‌القدسش رو میفرسته تا ما رو در این راه اسرارآمیز به طرف اهدافش پیش ببره، و میگه، «فرزندم، هرچند که تو نمیتونی چیزی که در دلت هست برای من بگی، ولی من با روح‌القدس تو رو به سمت خودم میکشم، چون ازت میخوام در کاری که من برای نیازهای جهان و احتیاجات کلیسا انجام میدم، مشارکت داشته باشی.»

پس، اول از همه ما نباید مایوس بشیم، چون روح‌القدس به کمک ما میاد. دلیل دیگه برای مایوس نشدن این هست که ظاهراً رسولان هم دعا کردن رو سخت می‌دونستند، یا حداقل وقتی که به دعا کردن عیسی گوش می‌دادند، باید احساس کرده باشند که اونها اصلاً چیز زیادی درباره‌ی دعا کردن نمی‌دونند.

و بنابراین همونطور که به یاد دارید در ابتدای باب ۱۱ انجیل لوقا اونها به حضور عیسی اومدند، «و هنگامی که او در موضعی دعا می‌کرد چون فارغ شد، یکی از شاگردانش به وی گفت: ”خداوندا دعا کردن را به ما تعلیم نما، چنانکه یحیی شاگردان خود را بیاموخت.“» و می‌تونید ببینید که چه اتفاقی داره میفته. ممکنه برای شما هم اتفاق افتاده باشه. اینکه شما فکر کردید دارید در دعا قدری پیشرفت می‌کنید، و بعد دعای یک مسیحی سرد و گرم چشیده، و بالغ که شاید خیلی رنج کشیده باشه رو وقتی که در دعا به حضور خداوند میاد شنیده باشید، و با خودتون گفتید، «من تقریباً هیچ چیز راجع به معنی دعا کردن نمی‌دونم.»

من فکر می‌کنم که شاگردان هم همینطور بودند، و عیسی کار شگفت‌انگیزی انجام میده. به جای اینکه به اونها بگه، «چه مدت هست که به دعا کردن من گوش می‌کنید و هنوز بلد نیستید که چطور دعا کنید؟» گاهی واعظین وقتی که دارند درباره‌ی دعا کردن صحبت می‌کنند می‌تونند همچین رفتاری بکنند، نمی‌تونن؟ بگن، «به اندازه‌ی کافی خوب دعا نمی‌کنی.» نه، ظاهراً عیسی

کنار اونها میشینه و میگه، «وقتی که دعا می‌کنید، اینطور دعا کنید.» و او آنچه رو که ما بهش «دعای ربانی» می‌گیم به اونها یاد میده. در نسخه‌ی لوقا میگه، «ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. ملکوت تو بیاید. اراده‌ی تو چنانکه در آسمان است بر زمین نیز کرده شود. نان کفاف ما را روز به روز به ما بده. و گناهان ما را ببخش زیرا که ما نیز هر قرض‌دار خود را می‌بخشیم. و ما را در آزمایش میاور، بلکه ما را از شریر رهایی ده.»

و همونطور که قبلاً دیدیم، نکته‌ی جالبی که درباره‌ی این دعا وجود داره این هست که به نظر میرسه عیسی از شاگردانش انتظار داشت تا هر روز این دعا رو انجام بدن. حالا من می‌دونم مسیحیان شدیداً روحانی وجود دارند که از دعای ربانی خیلی فراتر رفتند، ولی معمولاً به خاطر این هست که اونها دقت نکردند که نیاز دارند تا هر روز برای نان روزانه‌ی خودشون دعا کنند. در حقیقت، اونها بسیار فراتر از دعای هر روزه برای نان روزانه‌ی خودشون هستند، چون کاملاً قادرند که اون رو برای خودشون فراهم کنند. پس این دعا نکته‌ی فروتن‌کننده‌ای در خودش داره، و همچنین حقیقتی در درونش نهفته هست، دلیل این موضوع اینه که این فقط یک ساختار الگویی برای دعای ما نیست، بلکه ساختار الگویی برای نحوه‌ی زندگی ماست. و واقعاً به ما تأکید میکنه که دعا کردن یک تمرین روحانی در خلوت و تنهایی نیست – به این معنی که دعا کردن ما و زندگی کردن ما از هم مجزا باشند.

حقیقت امر این هست که، ما بر اساس زندگی‌مون دعا، و بر اساس دعامون، زندگی می‌کنیم. و بنابراین دعای ربانی، صرفاً یک دستورالعمل پایه درباره‌ی نحوه‌ی دعا کردن نیست، بلکه یک دستورالعمل پایه درباره‌ی نحوه‌ی زندگی کردن برای جلال خداست، برای اینکه بتونیم یاد بگیریم دعا کردن یعنی چه، و این دو حقیقت هرگز نباید از جلوی چشم ما دور بشند. پس کاری که من می‌خوام انجام بدیم اینه که برای تازه کردن خودمون، به این دعای ربانی فکر کنیم. به یاد بیارید که در ابتدا درباره‌ی جک نیکلاس گلف‌باز چی گفتم. برای اون دسته از شما که گلف‌باز نیستید متاسفم که دوباره گلف رو به تصویر می‌کشم. اون در حالی که خودش بزرگترین گلف‌باز جهان بود، به سراغ مربی خودش میره و میگه، «آقای گروت، بهم یاد بده که چطور گلف بازی کنم.»

و ما هم واقعاً نیاز داریم که دائماً به دعای ربانی برگردیم تا اینکه ما هم یاد بگیریم که به عیسی، دعاکننده بزرگ، همان برگزیده‌ای که تا ابد زنده هست تا برای قومش شفاعت کنه، بگیم، «خداوند عیسی، دوباره از اول مبانی دعا کردن رو بهم یاد بده، تا نه فقط دعا‌های خودم

در زندگی رو بازبینی کنم، بلکه چیزهایی که برایشون دعا می‌کنم، واقعاً با نقشه‌ی تو مطابقت داشته باشند، و اینکه من بتونم روی شالوده‌ای که تو قرار دادی، بنا کنم.»

حالا، روش‌های زیادی برای فکر کردن به این موضوع وجود دارند. من می‌خوام به سه شکل مختلف در موردش فکر کنیم. اول از همه، نحوه‌ای که دعای ربانی ما رو به داشتن گرایش صحیح در دعا، تشویق میکنه. البته دعای ربانی در انجیل لوقا باب ۱۱ به ما داده شده، و همچنین در بین موعظه‌ی سر کوه. و در موعظه‌ی سر کوه، این دعا در متن زمینه‌ی بسیار جالبی قرار گرفته، یعنی در درون متن زمینه‌ی شناخت خدا به عنوان پدر آسمانی شما. و عیسی میگه وقتی که شما به شناخت خدا به عنوان پدر آسمانی خودتون می‌رسید، دو چیز شروع به اتفاق افتادن می‌کنند.

یکی این هست که شما شروع می‌کنید به از دو رویی آزاد شدن، یعنی تظاهر کردن به چیزی که نیستید. این چطور اتفاق می‌فته؟ چونکه می‌دونید که پدر آسمانی شما همه چیز رو در مورد شما میدونه. او بدترین چیزهای شما رو میدونه، و اگر بتونید به حضور او بیاید، اون وقت نیازی ندارید به شخص دیگه‌ای وانمود کنید که چیز متفاوتی هستید، یا بهتر از این چیزی هستید که واقعاً هستید. و دومین حقیقتی که ما رو از اون آزاد میکنه، اضطراب هست.

عیسی میگه، «اگر پدر آسمانی خودتون رو بشناسید، اون وقت می‌دونید که او از شما مراقبت میکنه.» و به همین دلیل هست که وقتی ما در دعا به حضور خدا میایم، سادگی، بسیار مهم هست. ما نیازی نداریم از کلمات قلمبه سلمبه استفاده کنیم. در دعای ربانی کلمات قلمبه سلمبه وجود نداره. عیسی ما رو تا حد ضروریات مطلق پایین میاره که برای اونها می‌گیم، «ای پدر آسمانی، من می‌خوام که جلال تو دیده بشه و برای این کار به کمک تو نیاز دارم.» و این چیزی هست که عیسی در ادامه، تعلیم میده.

گرایش وجود داره که ما در دعا داریم، و همچنین رویکردی هم هست که اون رو در دعا کردن بسط میدیم. وقتی دعا می‌کنید، بگید، «ای پدر، نام تو مقدس باد»، و یا اونطور که ما به صورت سنتی‌تر در نسخه‌ی انجیل متی داریم، «ای پدر ما که در آسمانی». ما در اینجا چه کار می‌کنیم؟ داریم دو حقیقت موجود رو دربارهی ذات خدا تشخیص میدیم. اول از همه، اینکه او پدری عزیز هست و دوم اینکه او در آسمان هست، و به خاطر اینکه او پدر آسمانی ماست، خیلی واجبه که ما به نام معظم او احترام بگذاریم.

بگذارید اینطور بگم که، اگر ما به دنبال تقدیس نام خدا نباشیم، در واقع نشان‌دهنده‌ی این هست که ما واقعاً نمی‌دونیم که خدا کی هست. من امیدوارم که ما از اون دوره در تاریخ

او انجلیکال در ۲۰ سال اخیر عبور کرده باشیم، زمانی که به نظر می‌رسید برای بعضی افراد علامت اینکه شما واقعاً خدا رو می‌شناسید این بود که خودتون رو به انواع و اقسام روش‌های خودمانی به خدا ابراز کنید، که نشانه‌ی این حقیقت بود که شما اصلاً نمی‌دونید خدا کی هست.

اینکه هرگز واقعاً به ذهنتون خور نکرده که او چقدر عظیم و شکوهمند هست. حتی در سطح انسانی، هرگز به فکر شما نرسیده که دارید با خالق این جهان شگفت‌انگیز صحبت می‌کنید، و دارید او رو تا سطح خودتون تنزل میدید. بنابراین در حالی که یک صمیمیتی وجود داره، هرگز یک صمیمیت کاذب نیست، بلکه همیشه اینطور هست، «ای پدر آسمانی، نام تو مقدس باد.»

و جالب هست که عیسی به چه نحوی ما رو تشویق میکنه، مخصوصاً فکر می‌کنم در نسخه‌ی متی که میگه، «پس شما به اینطور دعا کنید: "ای پدر ما که در آسمانی."» این یعنی که ما با هم دعا می‌کنیم. ولی می‌دونید چه چیزی واقعاً جالبه؟ این عیساست که به ما تعلیم میده که بگیم «پدر ما». معنیش رو متوجه میشید؟ یعنی اینکه وقتی شما به شناخت خدا و عیسی می‌رسید، پدر شما، پدر او هم هست. هر چیزی که درباره‌ی ارتباط عیسی با پدرش می‌بینید، همون ارتباطی هست که او داره شما رو بهش دعوت میکنه. اینطور نیست که او برای خداوند عیسی مجسم شده، یک پدر، و برای شما یک پدر متفاوت باشه. او همان پدر هست. و بنابراین عیسی به شاگردانش تعلیم میده، «وقتی که دعا می‌کنید، بگی "پدر ما"».

نمی‌دونم آیا تا به حال دقت کردید که وقتی که عیسی دعا میکنه، به جز یک استثنا، همیشه خدا رو «پدر» صدا میزنه؟ شما می‌دونید که اون استثنا چی هست، نمی‌دونید؟ دعای او روی تپه‌ی جلجتا که، «الاهی الهی مرا چرا ترک کردی؟» زمانی که او ظاهراً درباره‌ی محبت پدرش نسبت خودش هوشیار نبود، بلکه فقط نسبت به این هوشیار بود که در بشریت خودش توسط پدر آسمانیش ترک شده. و با اینحال، ارتباطی بین این دو وجود داره، نداره؟ که او فقط به خاطر این حس کرد که ترک شده، چون او جای ما رو گرفت، اینکه برای او امکانپذیر بود که بگه، «حالا من هر کاری که لازم بوده برای تو انجام دادم تا تو هم با من بیای و به خدای تمام جهان هستی بگی، وقتی که به حضور تو میام، تو رو اونطور صدا می‌کنم که عیسی صدا کرد، "ای پدر ما که در آسمانی"»

پس در دعا صمیمیت وجود داره و این صمیمیت در دعا دلگرمی فوق‌العاده‌ای برای دعا کردن هست، چون او پدر ماست، چون اون به عنوان پدر ما قول داده که نیاز ما رو تأمین کنه، و چون او قول داده این کارها رو انجام بده هست که ما قادریم با اعتماد به نفس به حضور او بیایم و این چیزها رو درخواست کنیم. کسانی از شما که بچه داشتند، مخصوصاً زمانی که اونها کوچک

هستند، اگر کمی حکمت داشتند، می‌دونستند با شما که پدرشون هستید، چطور باید معامله کنند.

اونها میگن، «بابا ما اینو میخوایم»، و شما میگین، «نه همیشه اینو داشته باشین» و اونها میگن، «ولی بابا، ما اینو لازم داریم» و شما میگین، «خب، همیشه هرچی که لازم دارید، به دست بیارید» ولی بعد اگر به شما بگن، «ولی بابا تو قول دادی، بابا تو قول دادی»، اون وقت شما خودتون رو زیر تعهد بردید که اون چیزی که اونها میخوان رو بهشون بدید، چون بهشون قول دادید که این کار رو انجام بدید.

و این شگفتی دعاست که پدر آسمانی خودش رو در کلامش متعهد کرده تا چیزهای مشخصی رو به ما بده، تا برکات مشخصی رو برای ما فراهم کنه، و بنابراین ما قادر هستیم تا به طرزی شگفت‌انگیز و با شهامت و فروتنی به حضور او بیایم و به او بگیم، «پدر، تو قول دادی.» شما بعضی اوقات این رو در دعای مقدسین عهد عتیق می‌بینید، نمی‌بینید؟ اونها بر اساس تخیل خودشون دعا نمی‌کنند.

مثلاً بگن، «بگذار فکر کنم ببینم چه چیزی برای ملکوت خدا خوبه.» اونها بعضی وقتها در شرایط وخیم به حضور خدا میان و میگن، «ما نمی‌تونیم این شرایط رو درک کنیم، نمی‌تونیم براشون توضیحی پیدا کنیم. ولی ای خدا ما، تو این وعده‌ها رو دادی، پس ما بر اساس این وعده‌ها به حضور تو میایم و از تو میخوایم که اون وعده‌ها رو حفظ کنی.»

در واقع دعایی که یعقوب در موردش صحبت میکنه، دعای ایمان هست که فکر می‌کنم بعضی وقتها مردم اشتباه متوجه میشن. شما به یاد دارید که اون میگه که «دعای مرد عادل در عمل، قوت بسیار دارد.» و الیاس رو به تصویر میکشه. الیاس دعا کرد و آسمان بسته شد. دیگه باران نبارید. الیاس دوباره دعا کرد و باران بارید. و مردم میگن ما هم به همچین دعایی نیاز داریم، ما به دعای ایمان نیاز داریم.

خب، دعای ایمان چی هست؟ دعای ایمان این بود که الیاس صرفاً به حضور پدر آسمانی اومد و گفت، «پدر آسمانی، در کلام تو هست، و در وعده‌های تو هست که اگر ما اینطور سرکشی کنیم، آسمان‌ها بسته میشن. فلک تو که بالای سر تو است مس خواهد شد، و زمینی که زیر تو است آهن. در زمین قحطی خواهد شد. حالا، ای خدا بزرگ، ای خدای بزرگ وعده نگه‌دارنده، به حضور تو میام و به تو میگم، تو وعده دادی که اینطور خواهد بود، پس بگذار اینطور بشه.»

و به خاطر همین بود که اون مطمئن بود، نه به خاطر اینکه اون معیارهای غیر معمول ایمان داشت که اون رو قادر می‌کرد تا کارهای بزرگی که خدا میتونه انجام بده رو مجسم کنه، بلکه چون ایمانی داشت که به وعده‌ی خدا چسبید و قادر بود به حضور خدا بیاد و به او بگه، «تو پدر ما هستی، و تو وعده دادی»، و بعد ایمانی که باور داشته باشه اگر خدا قول داده باشه و الیاس هم درخواست کنه، پس باید محقق بشه.

این به ما چه چیزی یاد میده؟ خب، علاوه بر چیزهای دیگه، به ما یاد میده که ما نیاز داریم به وعده‌های خدا چنگ بزنیم، و این در واقع کاری هست که دعای ربانی انجام میده. در دعای ربانی چیزی وجود نداره که روی آنچه خدا وعده داده وجود داشته باشه و انجام بده، تمرکز نداشته باشه.

«ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. ملکوت تو بیاید.» چطور می‌تونیم این رو با اطمینان دعا کنیم؟ خب، چون نگاه کنید که در کلیسا چه اتفاقی داره میفته. چیزهای حیرت‌انگیزی داره در کلیسا اتفاق میفته. خب، وقتی که چیزهای حیرت‌انگیزی در کلیسا اتفاق نمیفته، چی می‌گید؟ نه، شما دعا می‌کنید، «ملکوت تو بیاید»، چون خدا وعده داده که ملکوتش رو برقرار کنه. می‌گیم «اراده‌ی تو کرده شود»، چون خدا وعده داده که اراده‌اش، حقیقتاً به انجام میرسه. پس نه فقط ما باید این گرایشی که در دعا داریم و این رویکرد عمومی که در دعا داریم رو درک کنیم، بلکه از پدران اولیه‌ی کلیسا تا زمان پدران جنبش اصلاحات کلیسا هم این رو درک کردند، که نیاز هست تا دعا به وسیله کلام هدایت بشه تا بنابراین دعا توسط کلام، تغذیه بشه.

مردم بعضی وقت‌ها میگن، «خب، من فقط برای هر چیزی که می‌خواهم دعا می‌کنم، و میدونم که خدا میشنوه»، ولی خدا، خدمتکار شما نیست. اونچه که ما نیاز داریم یاد بگیریم تا برایش دعا کنیم، چیزی هست که خدا وعده‌ی انجامش رو داده. ولی این چیزی نیست که شما همیشه در جلسات دعا می‌شنوید، درسته؟

پس اغلب ما روی اونچه که فکر می‌کنیم مهم هست، تمرکز می‌کنیم، و امروزه غالباً نمی‌شنوید که مردم بیان و بگن، «ای خداوند ما برای این موضوع به حضور تو می‌ایم چون این چیزی هست که تو وعده دادی تا انجامش بدی. و بنابراین ما انتظار داریم که تو روی وعده‌ی خودت بایستی. پدر، ما مثل بچه‌های کوچکی هستیم که نزد پدرشون میرن و میگن، «ولی بابا، تو قول دادی»، و ما می‌خواهیم به تو بچسبیم، تا اینکه تو وعده‌ی خودت رو عملی کنی.»

اما حالا از شما میخوام که به بعضی از چیزهایی که نیاز داریم در دعا درخواست کنیم، توجه کنید، و واضح هست که چندین چیز هستند. اولش نیاز ما برای تدارک روزانه هست. «نان کفاف ما را امروز به ما بده.» اگر شما در کلیسا دعای ربانی رو انجام میدید، یعنی فقط هر یکشنبه این دعا رو می‌کنید و نمیدونم چقدر از این دعا در آسمان ثبت میشه.

منظورم این هست که اصلاً چرا برای چیزی که الان توی یخچال شما یا توی فریزر شما یا در فروشگاه مواد غذایی هست، دعا می‌کنید؟

چرا باید اینطور دعا کرد؟ و جواب اینه که اینطور نبود که در مردم در زمان عیسی قادر به پختن و داشتن نان نبودند، بلکه دلیلش این بود که عیسی درک کرده بود که نانی که شما می‌خورید کاری انجام نمیده مگر اینکه خدا برای تغذیه‌ی شما تقدیش کنه. و این کاربرد وسیعی داره، اینطور نیست؟ این دعایی هست برای برکت خدا روی احتیاجات زندگی ما، تا ما رو طوری تغذیه کنند که قادر باشیم برای جلال او زندگی کنیم. شما می‌تونید این رو مثلاً در مورد هر قاشق دارویی که مصرف می‌کنید، به کار ببرید. اون دارو به شما کمکی نمیکنه مگر اینکه خدا با اقتدارش برای شما تقدیش کنه، و شما این رو می‌دونید، پس ما باید این وابستگی هر روزه به خدا رو یاد بگیریم.

و بعد وقتی که دعا می‌کنیم، نیاز ما به بخشش وجود داره، اینکه خدا قرض‌های ما رو ببخشه همونطور که ما قرضداران خودمون رو می‌بخشیم. و شما منطقتش رو می‌بینید. آیا تا به حال فکر کردید که واقعاً اینجا دارید چه درخواستی می‌کنید؟ شما این جرئت رو دارید که به خدا بگین، «خدایا، یک نفر دیگه رو پیدا کن که قرضم رو پرداخت کنه، چون باید پرداخت بشه.» شما در واقع دارید دعایی رو می‌کنید که داوود در مزمور ۵۱ کرد، «خدایا، قربانی‌ای برای گناه من وجود نداره. یک قربانی دیگه پیدا کن.» در اصل، اونچه که به خدا میگی این هست که، «خدایا، پسر تو رو بفرست تا روی صلیب بمیره تا من مجبور نباشم در جهنم ابدی برای همیشه بمیرم.» پس این دعای شگفت‌انگیزی هست. و می‌بینید که وقتی این رو می‌فهمیم، درک می‌کنیم که چرا این رو هم دعا می‌کنیم که، «همونطور که ما کسانی رو که نسبت به ما گناه کردند، می‌بخشیم.»

وقتی تشخیص میدیم که خدا برای اینکه بخشش رو به ما عطا کنه، چه کار کرده، اون وقت چطور ممکنه که ما بخشش رو از دیگران دریغ کنیم. و بعد البته اینکه، «ما را در آزمایش میاور» یعنی من رو وارد امتحانی که قادر به تحملش نیستم، نکن، چون من از ضعف خودم کاملاً آگاهم و میدونم که تو من رو از شریر رهایی میدی.



وقتی که مسیحی خیلی جوانی بودم کتابی خوندم که نوشته‌ی یک پزشک نروژی، فکر کنم به نام آل هالزبی بود، و اون کتابش رو اینطور شروع میکنه که، «دعا کردن ضعف هست.» دعا کردن ضعف هست. دوستان عزیزم، این بزرگترین مشکل کلیسا در غرب هست. ما تشخیص نمیدیم که واقعاً چقدر ضعیف هستیم و بنابراین خیلی کم دعا میکنیم. و این مشکل من به عنوان یک مسیحی هست. فکر میکنم که خودم میتونم انجامش بدم و این باعث میشه دعا نکنم، و فقط وقتی یاد میگیرم دعا کنم که متوجه بشم چقدر به خدا وابسته هستم. پس میخوایم بگیم، «ای خداوند، دعا کردن رو به من یاد بده.»